



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی ساختار مرگ شخصیت‌ها در دو بخش اسطوره‌ای و
حماسی شاهنامه

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم قوام

استاد مشاور:

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی

دانشجو:

سهیلا یوسفی آبگرم

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

این پایان‌نامه در قطب علمی فردوسی‌شناسی تدوین شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

بررسی ساختار مرگ شخصیت‌ها در دو بخش اسطوره‌ای و

حماسی شاهنامه

استاد راهنما:

دکتر ابوالقاسم قوام

استاد مشاور:

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی

دانشجو:

سهیلا یوسفی آبگرم

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

این پایان‌نامه در قطب علمی فردوسی‌شناسی تدوین شده است.

تقدیم به:

نازنین پدر و مادرم، که حماسه زندگی ام

را قهرمانان اسطوره‌ای هستند و

در قلبم تا همیشه بی مرگ

خواهند زیست.

تقدیر و تشکر

از زحمات بی‌دریغ جناب آقای دکتر ابوالقاسم قوام و سرکار خانم دکتر مهدخت پورخالقی چترودی، استادان عزیز و محترم راهنما و مشاورم، که با حوصله و دقت نظر فراوان در پیمودن این راه نسبتاً طولانی با من همراهی کرده، از هیچ کوشش و راهنمایی دریغ نورزیده‌اند کمال تشکر و قدردانی را دارم و سپاسدار بزرگواری‌های ایشان هستم.

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

سهیلا یوسفی‌آبگرم

چکیده

تعداد اشخاص در شاهنامه و نیز نبردهای کوچک و بزرگ آن سبب وجود انواع مرگ در شاهنامه گردیده و موجب شده است که مرگ در شاهنامه فردوسی سهم عمده‌ای از داستان-های این متن حماسی را به خود اختصاص دهد؛ تا آن جا که فراوانی حضور مرگ برای هر شاهنامه‌خوانی به راحتی قابل دریافت است. نکته مهم این که علی‌رغم گستردگی مرگ در شاهنامه، این پدیده در متن حماسی ملی ما پراکنده و به دور از انسجام نیست بلکه می‌توان برای مرگ و پایان کار اشخاص در شاهنامه دسته‌بندی‌های مشخص و فراوانی در نظر گرفت. یکی از این دسته‌بندی‌ها تقسیم آن به سه صورت کلی و اولیئه مرگ شخصیت‌ها، افرادی که شاهنامه از آن‌ها با عنوان جاودانان و بی‌مرگان یاد می‌کند و افرادی است که در شاهنامه هیچ نشانی از فرجام آن‌ها وجود ندارد. انواع مرگ‌ها در شاهنامه خود به دسته‌های دیگری چون مرگ‌های طبیعی، مرگ‌های غیر طبیعی و خودکشی‌ها تقسیم می‌شود و هر یک از این انواع نیز به دسته‌های کوچک‌تری که مرگ افراد را از منظر چگونگی شکل مرگ، ابزار مرگ‌آفرین، عوامل تأثیرگذار در مرگ شخصیت‌ها و... به صورت جزئی‌تر بررسی کرده در یک دسته قرار می‌دهد، قابل تقسیم است.

آنچه در پژوهش پیش رو بدان پرداخته شده توجه به فرجام کار تمام شخصیت‌های انسانی موجود در دو بخش اسطوره‌ای و حماسی، علل مؤثر در سرنوشت و مرگ هر کدام از شخصیت‌ها و دسته‌بندی آن، و نیز بررسی مؤلفه‌هایی مانند آیین‌های پس از مرگ است که به نوعی با مرگ در ارتباط هستند.

کلید واژه: مرگ، شاهنامه، شخصیت، انواع مرگ شخصیت‌ها، فردوسی، پهلوان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

۱۳----- بیان مسأله

۱۳----- اهداف پژوهش

۱۵----- سوالات پژوهش

۱۵----- فرضیه‌های پژوهش

۱۶----- مراحل انجام پژوهش

۱۸----- دشواری‌های پژوهش

۱۸----- کاستی‌های پژوهش

بخش اول: کلیات

فصل اول: کلیت مرگ

۲۲----- مرگ چیست؟

۲۶----- واکنش در برابر مرگ

۲۸----- جاودانگی

آیین‌های تدفین در برخی ادیان-----۳۰

جهان پس از مرگ در برخی ادیان-----۳۱

فصل دوم: مرگ در برخی آیین‌ها و ادیان کهن ایرانی

۱- مرگ در آیین مانوی-----۳۴

۲- مرگ در آیین زروانی-----۳۷

۳- مرگ در آیین و متون اوستایی-----۴۲

۴- مرگ در متون پهلوی-----۴۶

۵- مرگ در اسلام-----۵۰

بخش دوم: مرگ در شاهنامه

فصل اول: ساختار مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه

مرگ در شاهنامه-----۵۳

تأثیر باورهای ادیان بر مرگ در شاهنامه-----۵۵

مرگ و پهلوانان شاهنامه-----۶۰

انواع مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه-----۶۵

مرگ‌های غیرطبیعی در شاهنامه-----۷۴

۱- بیگانه‌کشی یا قتل‌های خوش

۲- خویشاوندکشی یا قتل‌های ناخوش (پدرکشی - فرزندکشی - برادرکشی - دامادکشی - نیاکشی - کشتن خال)

۳- خودکشی

فصل دوم: اشکال مرگ و عوامل مربوط به آن در شاهنامه

علل مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه-----۸۲

علل اصلی-----۸۲

۱- تقدیر

۲- آز

۳- کین

۴- فریب، نیرنگ، دروغ

علل فرعی-----۹۰

۱- سخن چینی و تضریب

۲- نژاد بیگانه داشتن

۳- نیایش کارساز

۴- برگشتن فره ایزدی

۵- پیش‌بینی

۶- خواب و رؤیا

ابزار مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه-----۹۹

چگونگی مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه-----۱۰۳

فصل سوم: آیین‌های پس از مرگ در شاهنامه

آیین‌های پس از مرگ-----۱۰۸

۱ - آیین سوگواری-----۱۱۰

(۱-۱) - گریستن

(۱-۲) - میان بستن

(۱-۳) - موی بازکردن

(۱-۴) - نگونسار کردن زین

(۱-۵) - بریدن یال و دم اسب

(۱-۶) - روی اسبان و پیلان سیاه کردن

(۱-۷) - جامه دریدن

(۱-۸) - موزه از پای درآورن

(۱-۹) - از اسب فرود آمدن

(۱-۱۰) - خاک بر سر کردن

(۱-۱۱) - جامه سیاه یا تیره پوشیدن

(۱-۱۲) - کلاه از سر برگرفتن

(۱-۱۳) - درفش دریدن و کوس نگونسار کردن

(۱-۱۴) - آتش زدن به خانه و باغ و سراپرده

(۱-۱۵) - میان گشودن

۱۱۷-----۲- خاکسپاری

(۲-۱) - شستن مرده

(۲-۲) - خشک کردن و عطرآگین کردن

(۲-۳) - دوختن و جراحات و بهم پیوستن اعضا

(۲-۴) - دوختن جراحات در مورد پهلوانان نامدار

(۲-۵) - بر تخت نهادن

(۲-۶) - دخمه بر فراز کوه ساختن

فصل چهارم: مرگ در نگاه فردوسی

۱۲۴-----فردوسی و مرگ

۱۳۰-----نتیجه گیری

۱۳۴-----فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

بیان مسأله

مرگ یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل آفرینش خداوندی است که در اندیشه‌ها و اعتقادات ما دریچه‌ای به جهان باقی و نوعی زایش دیگر است. از زمان‌های گذشته، همواره دریافت‌های گوناگونی از مرگ وجود داشته است. به عنوان مثال در آثار عرفانی که اثر تحت تأثیر مستقیم عقاید و آموزه‌های دینی و اخلاقی پدید آورنده‌اش به وجود می‌آید، دریافت متفاوتی از مرگ با متن‌های اسطوره‌ای وجود دارد. در یک اثر عرفانی آن هنگام که از مرگ سخن به میان می‌آید صحبت از اسطوره‌ها و ترسیم شکلی انتزاعی و ذهنی از مرگ نیست بلکه مرگ، تجسمی عینی و قابل لمس دارد. اما این آموزه و پیدایش آن در آثار حماسی و اسطوره‌ای متفاوت و دیگرگونه است. در خلق یک اثر حماسی و اسطوره‌ای، مؤلف مستقیماً عقاید خود را در اثر دخیل نمی‌کند؛ بلکه شکل و ساختار افسانه‌ای و پهلوانی موضوع را در نظر می‌گیرد که تا حدود بسیاری به دور از رخ داده‌های جهان واقعی و به نوعی خارق‌العاده است. در شاهنامه که بزرگ‌ترین اثر حماسی ماست با شیوه‌های شگفت رویارویی با مرگ در زندگی پهلوانان، روبرو هستیم.

اهداف پژوهشی

در این پژوهش برآنیم تا با بررسی ساختار مرگ در شاهنامه، به انواع مرگ و دسته‌بندی مشخصی از آن، در این متن حماسی و ملی دست یابیم. پیرامون شاهنامه و مرگ شخصیت‌های آن تحقیقات بسیاری انجام گرفته است. اما آنچه کمتر بدان پرداخته شده، بررسی کلیت مرگ در شاهنامه و وابسته‌های مربوط به آن است. تا به حال مجموعه‌ای که مرگ تمام شخصیت‌های شاهنامه را به صورت مستقل و منسجم مورد بررسی قرار دهد، تدوین نشده که

تلاش شده از بار این مشکل پیرامون مرگ افراد در شاهنامه کاسته شود. اطلاعات موجود درباره مرگ در شاهنامه اگرچه کم نیستند، بسیار پراکنده و به دور از انسجام کلی هستند. تحقیقات انجام شده بر روی مرگ توسط محققان در بیش‌تر موارد، به مرگ یک یا چند شخصیت در شاهنامه محدود می‌شوند. به عنوان مثال در کتاب *زندگی و مرگ پهلوانان* که از مهم‌ترین آثار در این زمینه است و از منابع مهم پیشینه تحقیق بر مرگ در شاهنامه به شمار می‌رود، به مقایسه زندگی و مرگ تنها چند شخصیت و نمونه مشابه آن در اساطیر ملل گوناگون به طور تفصیل پرداخته شده است و در منابع دیگری چون داستان داستان‌ها و مقالات فراوان هم تحقیق پیرامون داستان تنها مرگ یکی از شخصیت‌ها در شاهنامه مورد نظر پژوهشگران آن آثار بوده و بررسی همه جانبه و کلی به پدیده مرگ در شاهنامه مورد بررسی قرار نگرفته است. آنچه که ما در این پژوهش به دنبال آن هستیم، نه به کار گرفتن روشی همانند مؤلف زندگی و مرگ پهلوانان است و نه شیوه تحقیقی تفصیلی کسانی که تنها به یک شخصیت توجه نشان داده‌اند. مبنای پژوهش ما در این پایان‌نامه تمرکز بر دو بخش اسطوره‌ای و حماسی شاهنامه و پرداختن به مرگ تمام شخصیت‌های انسانی آن خواهد بود.

لازم به ذکر است که اگر چه در کل شاهنامه مجموعه‌ای از شخصیت‌ها اعم از انسانی و غیر انسانی وجود دارد، بررسی ما از انواع مرگ شخصیت‌ها و دسته‌بندی آنان تنها به شخصیت‌های انسانی بخش‌های اسطوره‌ای و حماسی شاهنامه و پهلوانانی که در این دو دوره اطلاعات قابل‌طرحی در خصوص مرگشان در شاهنامه موجود است، اختصاص می‌یابد و از پرداختن به بخش تاریخی، مرگ‌های کم رنگ و کم‌نمود در کل شاهنامه و نیز شخصیت‌های فوق طبیعی چون دیو سپید و کرم هفتواد، اجتناب به عمل خواهد آمد.

سوالات پژوهشی

انگیزه پژوهش پیرامون مرگ در شاهنامه در جلسه دفاع رساله دکتری مرحوم دکتر عباس کرمانی شکل گرفت. پس از مشاوره با استادان و محققانی آشنا به مسائل اسطوره‌ای و حماسی به خصوص شاهنامه و نیز رجوع به منابع پیشین پیرامون مرگ در شاهنامه مشخص شد که در میان منابع مربوط به شاهنامه جای تحقیقی مستقل و منسجم پیرامون مرگ و وابسته‌های آن در شاهنامه خالی است. از این رو تصمیم گرفته شد طرح پیشنهاد به گروه با موضوع بررسی ساختار مرگ در شاهنامه نوشته شود. پس از چندی موضوع مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه تثبیت شد و بنیان و اساس پژوهش، بر مبنای سوالات ذیل و جست‌وجو برای یافتن پاسخی مناسب برای آن‌ها قرار گرفت:

- ۱- چه دسته‌بندی برای انواع مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه می‌توان در نظر گرفت؟
- ۲- عوامل تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز بر مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه کدام است؟
- ۳- ابزار مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه چیست؟
- ۴- آیین و مراسم تدفین برای شخصیت‌های مختلف در شاهنامه، چگونه برگزار می‌شود؟
- ۵- داوری فردوسی در باب مرگ شخصیت‌ها چگونه است؟

فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای این فرض‌ها استوار است:

- ۱- مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه دارای ساختار منظم و قابل تقسیم و دسته‌بندی به صورت‌های گوناگون (مثلا مرگ‌های طبیعی مانند مرگ فریدون پس از کشته شدن فرزندان

به دست یکدیگر، مرگ‌های غیرطبیعی مانند کشته شدن سهراب به دست رستم و خودکشی مانند مرگ جریره بعد از مرگ فرود) است.

۲ - کشتن‌ها و مرگ‌های غیرطبیعی متداولترین نوع مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه است.

۳ - نژاد و نیاکان افراد، از عوامل مؤثر در سرنوشت و مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه هستند.

۴ - آیین و ادیان باستانی تا حدودی بر نگاه فردوسی به مرگ در شاهنامه تأثیر گذاشته‌اند و این تأثیرگذاری از طریق شباهت میان عوامل مربوط به مرگ در شاهنامه با مؤلفه‌های مرتبط با مرگ در آن آیین‌ها قابل اثبات است.

مراحل انجام پژوهش

پس از طرح سؤالات و فرضیه‌های پژوهش، در ابتدای راه به جست‌وجو و خوانش پیشینه تحقیقات انجام شده پیرامون مرگ، شخصیت‌های شاهنامه، مرگ در شاهنامه و نیز دیگر منابع موجود پیرامون موضوع پرداخته شد. سپس خوانش متن شاهنامه و استخراج ابیات مربوط به مرگ شخصیت‌های آن در دستور انجام پژوهش قرار گرفت. از برآیند ابیات استخراج شده یک ساختار منظم و کلی از مرگ در شاهنامه به دست آمد. اندکی پس از خواندن منابع و پیشینه پژوهش، الگوی نسبتاً پایداری برای ساختار پژوهش ترسیم گردید و مبنای تحقیق بر اساس یک مقدمه و دو بخش اصلی کلیات مربوط به مرگ و مرگ در شاهنامه طرح ریزی شد. در قسمت مقدمه بیان مسأله، سؤالات و فرضیه‌های پژوهش مطرح شده است. در بخش نخستین که شامل دو فصل کلیت مرگ و مرگ در برخی از آیین‌ها و ادیان رایج در زمان فردوسی است به طرح مسائل کلی مربوط به مرگ و چیستی مرگ در زمان‌ها و میان ادیان و آیین‌های گوناگون، آیین‌های تدفین، پیشینه تفکر جاودانگی در اندیشه بشری، واکنش در برابر مرگ و جهان پس از مرگ پرداخته شده و جایگاه مرگ در اندیشه و

تفکر ملّیت‌ها و اقوام مختلف دربارهٔ این فرجام غیر قابل انکار موجودات، مورد بررسی قرار گرفته است. مرگ در آیین‌ها و تفکرات مطرح در شاهنامه نیز در این بخش بررسی شده تا میزان تأثیرپذیری فروسی و شاهنامه از آن آیین‌ها به دست آید.

بخش دوم پایان‌نامه، شامل چهار فصل به ترتیب ذیل است:

در فصل اوّل با عنوان ساختار مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه، به بررسی کلی مرگ در شاهنامه، مرگ و برخورد پهلوانان شاهنامه با آن، تأثیر باورهای ادیان بر مرگ در شاهنامه، انواع شخصیت‌ها در شاهنامه و نیز بررسی انواع مرگ شخصیت‌ها در شاهنامه پرداخته شده است. در فصل دوم با عنوان اشکال مرگ در شاهنامه و عوامل مرتبط با آن، نگارنده به چگونگی مرگ‌ها در شاهنامه و ابزار و علل مرگ‌آفرین در آن پرداخته و شخصیت‌های مصداق هر یک از اشکال را با ذکر ابیات شاهد آن درج کرده است. در فصل سوم با عنوان آیین‌های پس از مرگ در شاهنامه، آیین و رسوم موجود دربارهٔ سوگواری و خاکسپاری در شاهنامه با ذکر شاهدهای بیتی آن بررسی شده و در فصل چهارم این بخش نگارنده به تحقیق پیرامون مرگ در نگاه فردوسی از لابه‌لای آن دسته از ابیات شاهنامه که سخن و داوری فردوسی در این خصوص است، می‌پردازد.

پایان بخش پژوهش نیز نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب مطرح شده در پایان‌نامه است. مهم‌ترین دست‌آورد پژوهش انجام شده در این است که تا حدودی راه را برای محققان بعدی که مشتاق به انجام پژوهش پیرامون مرگ در شاهنامه هستند هموار ساخته است و تلاش کرده به عنوان الگو و مبنایی اصلی، پیرامون پژوهش بر روی فرجام شخصیت‌های شاهنامه قرار بگیرد. پژوهش‌گرانی که مایل به انجام تحقیق در این زمینه باشند، دیگر نگران پراکندگی اطلاعات مرگ افراد شاهنامه نخواهند بود.

دشواری‌های پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش و رسیدن به یک ساختار منسجم از مرگ‌های موجود در شاهنامه، با مشکلات و موانع بسیاری مواجه بوده که برای رفع آن تلاش شده است. یکی از مشکلاتی که همواره بر سر راه پژوهشگران آثار بزرگی چون شاهنامه، وجود دارد گستردگی اطلاعات موجود در درون و بیرون شاهنامه و پراکندگی منابع مورد مطالعه درباره آن است که ما نیز در طی انجام پژوهش با آن مواجه بودیم. از مهم‌ترین دشواری‌هایی که در مسیر انجام این پایان‌نامه قرار داشت می‌توان به فراوانی منابع و مقالات مربوط به شاهنامه و دشواری دستیابی به آنها، به خصوص مقالاتی که در مجلات گوناگون نوشته شده‌اند، اشاره کرد که در بسیاری موارد توفیق ما تنها یافتن نام و نشانی از آنها بود. دریایی عظیم از منابع مهم که هر چه می‌خواندیم گویی هنوز بار نخوانده‌ها سنگین‌تر می‌نمود. ازین رو همیشه بیم این می‌رفت و می‌رود که به دلیل گستردگی منابع قابل مطالعه، و عدم امکان بررسی همه آن‌ها به طور دقیق، بخشی از نتیجه‌ای که به دست آمده، توسط محقق دیگری انجام شده باشد و در نتیجه کوشش جدید ارزش واقعی خود را از دست بدهد. افزون که در این موارد، ناخواسته نام آن محقق پیشرو ذکر نخواهد شد و بر صاحب این اثر نیز انگشت اتهام فرو خواهد نشست.

کاستی‌های پژوهش

برای تکمیل این پژوهش وقت بسیاری صرف خوانش منابع پیشین گردیده و دقت شده تا همه شخصیت‌ها به نوعی در دستور انجام پژوهش قرار بگیرند و نیز تلاش شده است به همه عوامل موجود و مرتبط با مرگ در شاهنامه پرداخته شود، با این وجود، تحقیق پیش رو همچون هر تحقیق دیگری خالی از نقاط ضعف و قوت نیست. چنان‌که گفته شد گستردگی شاهنامه و بسیاری شخصیت‌های موجود در آن، از مشکلات و موانع دست یافتن به نتیجه

قطعی در این پژوهش بود و همواره بیم آن می‌رود که این گستردگی سبب از قلم افتادن برخی افراد در بررسی موجود و در نتیجه پیدایش نوعی کاستی در پژوهش شده باشد. از سوی دیگر اگرچه تعدد افراد و تنوع علل مؤثر در مرگ آن‌ها دست پژوهشگر را برای دسته‌بندی‌های متفاوت باز می‌گذاشت، اما هر جا که مرگ یک شخصیت در ذیل مجموعه چند نوع دسته‌بندی قرار می‌گرفت، تصمیم‌گیری و انتخاب یک نوع مناسب‌تر را دشوار کرده، راه را برای وجود نوعی ضعف در پژوهش نیز هموار می‌نمود.

پژوهشی مشابه پژوهش انجام شده، برای تمام آثار بزرگ و مطرح پیشین ما ضروری به نظر می‌رسد. تا با در دست داشتن ساختار مشخص یک اثر از جنبه‌های مختلفی چون زندگی، مرگ، عشق و دیگر امور، بتوان الگوی راحت‌تری برای تحقیق روی آن آثار به دست آورد. تحقیق و پژوهش بر روی مرگ در *شاهنامه* هنوز و همچنان باز است. شاید پژوهشگران بعدی با در دست داشتن این الگوی مشخص مرگ در *شاهنامه*، به دسته‌بندی مناسب‌تری از آن دست یافته و این کار را تکمیل‌تر و سازمان‌یافته‌تر ارائه دهند. می‌توان باز هم به بررسی مرگ در *شاهنامه* از زوایای دیگری چون بررسی مرگ در اسطوره‌های ملل و مقایسه آن با مرگ در *شاهنامه* و رابطه مرگ با زندگی افراد پرداخت و یا بررسی ارتباط میان عوامل مرگ-آفرین در فرجام یک شخصیت، مرگ موجودات فوق طبیعی در *شاهنامه* و یا تمام موجوداتی که ویژگی‌های یک character را دارا هستند مورد تحقیق و پژوهش قرار داد.

بخش اوّل

کلیّات